

تا از این طریق بتواند منابع مورد نیاز را جذب کند (van der Hoeven, 2016: 16). ولی جذب سرمایه خارجی در ایران چندان مطلوب نبوده است، همان طوری که نمودار ۳ نشان داده می‌شود، در سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ به ترتیب حدود ۱۹- و ۳۶۱- میلیون دلار سرمایه از کشور خارج شده است. کاهش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و خروج آن از ایران، بیشتر ناشی از ریسک سیاسی و اقتصادی در کشور بوده است. طبق نمودار ۳، از سال ۱۹۹۱ تا پایان دوره ۸ ساله دولت سازندگی (۱۹۹۶)، حدود ۲۸۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی در ایران جذب شده است ولی با احتساب ۳۸۰- میلیون دلار دو سال اول ریاست جمهوری هاشمی، نه تنها در این برهه زمانی سرمایه‌گذاری خارجی جذب نشده است؛ بلکه ۹۸- میلیون دلار سرمایه از ایران خارج شده است.

از آنجایی که دولت نتوانسته بود سرمایه خارجی موردنیاز را جذب کند و از سوی دیگر نیز درآمدهای نفتی کافی برای توسعه زیرساخت‌ها را در اختیار نداشت، در نتیجه به دریافت اعتبارات خارجی در قالب وام روی آورد. آمار بانک جهانی نشان می‌دهد که مجموع بدهی‌های دولت سازندگی در کل دوره ۸ ساله، حدود ۱۲۶ هزار و ۵۸۰ میلیون دلار بوده است. حال اگر این منابع در زمینه طرح‌های صادرات‌گرا و توسعه اقتصادی کشور استفاده می‌شد یک امتیاز مثبت بود. هرچند که این منابع در دولت‌های توسعه‌گرا به بخش‌های اقتصادی با بازدهی بالا هدایت شد، این سرمایه‌گذاری‌ها در ج.ا.ایران به بخش‌هایی با بازدهی پایین اختصاص داده شد (بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۷۸: ۲۲-۲۳). با وجود آنکه ج.ا.ایران در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفق نبوده است، همسایگان در این حوزه پیش‌تاز بودند. برای نمونه در همین برهه زمانی (مطابق با نمودار ۳) ترکیه حدود ۵ هزار و ۸۵۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرده است. در دوره هشت ساله دولت اصلاحات به دلیل سیاست تنش‌زدایی که در پیش گرفته شد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز در ایران افزایش یافت. هرچند که در این برهه زمانی نباید افزایش چهار برابری حجم سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه (از ۲۶ هزار و ۳۵۵ میلیون دلار در سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۶ به ۱۰۶ هزار و ۴۸۱ میلیون دلار در